



این شرح بی نهایت...

میوه خرد مدارا کردن با مردم است.
امام علی(ع)

غم

ما به غم خو کرده ایم ای دوست ما را غم فرست
تحفهای کر غم فرستی نزد ما هر دم فرست
جامه هلمان چاک ساز و خانه هلمان پاک سوز
خلمه هلمان در دیش و تحفه هلمان غم فرست
چون به یاد ما رسی دستی به گرد خود بر آر
گر همه اشکی به دست آید تو را، آن هم فرست
خستگی سینه ما را خیالت مر هم است
ای به هجران خسته ما را، خسته امر هم فرست
یوسف گم گشته ما زیر زلف توست
گه لیلی ما را خبر زان زلف خم در خم فرست
زلف تو گر خاتم از دست سلیمان در ربود
آن بر او بگزار وز لعنت یکی خاتم فرست
رخت خاقتی در این عالم نمی گنجد ز غم
غمزای بر هم زن و او را بدان عالم فرست
خاقانی شروانی



تقویم تاریخ

سالروز ریسهعلی دلواری

۹۹سال پیش، برابر با دوازدهم شهریور ۱۲۹۴خورشیدی، ریسهعلی دلواری در ۳۳سالگی، از پشت هدف گلوله یکی از افراد (خان) خود قرار گرفت و به شهادت رسید. ریسهعلی بعد از این که قوای اشغالگر انگلیس بوشهر را به تصرف خود در آورده، به مقابله با تاجوار گران پرداخت و شکست های سنگینی بر آنان وارد کرد. قیام مردم تنگستان حدود ۷سال به طول انجامید. هدف اصلی تنگستانی ها از مقابله با قوای انگلستان، پاسداری از بوشهر، دشتستان و تنگستان و جلوگیری از نفوذ قوای بیگانه به درون سرزمین ایران و دفاع از استقلال وطن بود.

نوسازی آرامگاه فردوسی

۸۶سال پیش، برابر با دوازدهم شهریور ۱۳۰۷خورشیدی، کار نوسازی آرامگاه فردوسی، شاعر بزرگ ایرانی که عمر خود را وقف خدمت به ایران و زبان پارسی کرده بود در توس خراسان آغاز شد. بنای جدید آرامگاه پس از تکمیل و آنگاه ترین مجدد، بیستم مهرماه سال ۱۳۱۳هجری طی مراسمی با حضور پهلوی اول، مستشرقین، ایرانشناسان سراسر جهان، ادیبان کشور و مقامات فرهنگی و دولتی گشایش یافت، طراحی مقبره این شاعر بزرگ برعهده حسین لرزاده گذاشته شده بود. ۳۴سال بعد، این بنا توسط هوشنگ سیحون به شکل کامل بازسازی شد.

در گذشت دکتر حسایی

۲۲سال پیش، برابر با دوازدهم شهریور ۱۳۷۱خورشیدی، دکتر محمود حسایی، پدر فیزیک نوین ایران در ۹۰سالگی و هنگام معالجه بیماری قلب در بیمارستان دانشگاه ژنو بهرود حیات گفت. دکتر حسایی تنها شاگرد ایرانی آلبرت اینشتین بود و علاوه بر آن یاداشتمندان ونویسندگان بزرگ دنیا مانند برتراند راسل و آندره ژید ارتباط علمی داشت. معروف ترین تئوری علمی دکتر حسایی، نگره بی نهایت بودن ذرات است که بالاترین نشان کشور فرانسه را برای او به ارمان آورد. دکتر حسایی در سال ۱۹۹۰ به عنوان مرد علمی سال جهان و مرد بین المللی سال ۱۹۹۱انتخاب شد.



شهر ونگ

فامیل سیاسی

ما یک راستگو توی شورا داریم به تنهایی کار ۱۰ چمران را می کنه».

گفت: «خوبه خودتم می دونی فقط به راستگو نداری» گفت: «صفرخان خلا شما توی موسسه تحقیقات استراتژیک بدجور احساس میشه حالا بگذریم، چه خبر از چراغونی مشهد؟»

گفت: «نه خداییش بی تعصب حساب کنیم، توی این به سال شورای شهر کار نکرده». ایسن «درست کار نکرده» احتمالا یعنی این که او می خواسته بدون کارت از لای شکاف گیت BRT رد بشود و جلوش را گرفته اند. گفت: «آره.. تهران داشت می شد نیویورک، این یکسال وقفه همه چیو به هم ریخت». گفت: «شما جونااا یه چیز ی از تلویزیون دیدید.. همین جوری الکی حرف می زنید.. آگه قدر بدونید، این جا از نیویورک بهتره». خدایا؟! میمانم حبیب خداست، میزبان که نیست پس با اجازه: «صفرخان مبارکه، اسم نیویورک رو از کجا شنیدید؟»

گفت: «چه چون برو هم سن و سال تو دست بنداز.. من نبودم سه روز ماموریت ر قتم با کو؟ شما جوونا همه ورمسخره می کنید ولی هیچ کار ی از تون بر نمیداد».

دیگر وقت اقدام عملی بود. گفت: «راست میگید شما وقتی جوون بودید حسابی اهل عمل بودید. اصلا اهل عمل بودن از سر و روتون می باره».

گفت: «نونستیم، کر دیم، شما جای ما بودید الان این مملکت صدسال عقب افتاده بود».

نفهمیدم منظورش از «این مملکت» کدام کشور بود. گفت: «بخشید! شما مملکت رو جلو انداختی یا این سیستم؟»

گفت: «چه چون درست حرف بزنا! جلوی مادر ت چیزی بهت نمی گم دور بر نداز!»

گفت: «دور بر می دارم ببینم کدوم بی وجودی می خواد حرف بز نه.. اصلا بیا برسم کوچه ببینم چیکار می کنی» بکنی» آمد جلو که کار ر فیزیکی کند من هم رانوسیم را آماده کرده بودم برای اقدام متقابل که یکهو صدای زنگ آمد! ما خواستیم خواسمان از دعوی سیاسی مان پرت نشود، ولی با دبدن دو تا چهره آشنا روی آیفون تصویری خانه شوهر خاله خشکمان زدا متین سه ساله رفت پای آیفون و با تعجب پرسید: کی؟

رئیس جدید شورای شهر و رئیس قدیم یکصدا گفتند: ماییم! خاله ام از آشپزخانه آمد و گفت: یعنی باکی کار دار ند؟

مسجد جامعی از پشت آیفون گفت: راستش لومدیم بگیم دندونک با ما یا که راضی نیستیم! این قدر هم که فکر می کنید دعو ا هاجدی نیست! حالا در روزهای کنیدی یاریم؟!



ناعم تدین | کار نویس | naeemator@gmail.com

کار تون شهر



یاد

در کنجِ دنجِ غم

بر آمده تبریز بزرگ ما، آبرو و اعتبار زبان و اندیشه فارسی، بانوی شاه همراه همیشه شما در دستگیری مشتاقان دانش و دانی، ما در تنهایی تلخمان وا گذاشتند و به شما و جاودانگی پیوسته اند. ما اعتراف می کنیم که ادبیات امروز ما و تاریخ معاصر ما بی مدد تلاش های بی مثال شما و صبوری های بی مانند همسر بزرگوار شما چیزهایی کم دارد. چیزهایی که با پول و شهرت و قدرت نمی توان سر سوزنی از آن را خرید و در آثا رهای اداره جات فرهنگ و اندیشه و ادبیات انبار کرد.

آقای دکتر محمدحسن لطفی و خانم دکتر زیگرید لطفی شما افتخار ما بودید و هستید و خواهید بود. شما، مرد و زن، حدیث زندگی و بی قراری سرخورده مایید، شما لطف اندیشه و ادبیات زنده مادر جهان هستید. اگر زندگی ما جاری است اگر ادبیات ما پایه پای زندگی می آیدو می خواند به مدد همت شماست و در فغا که مرگ، سایه اش را بر سر شما افکند و بانو لطفی، بار هم مرگ باز هم مرگ باز هم مرگ.

حالا اجزای می خواهیم تا به ادبیات ایران و ادبیات جهان تسلیت بگویم. اجزای می خواهم تا به فیلسف های نگران حال و روز انسان و انسانیت تسلیت بگویم و به نویسند ههایی که دیر رسیدند و از درک مغربانی، عطوفت، شعور و روحانی می ماند با نو فرسوز یگرید لطفی بازماندند. بانو لطفی در مرگ خلاصه اندوه وجود دارد. مرگ او را از ما و فرهنگ ایران و آلمان نگرفته است. خوشبختانه جایی به نام جغرافیای جان و بیکرانه جاودانگی و گوشه دنج آندوه وجود دارد. فرسوز یگرید لطفی شهروند جغرافیای جان به بیکرانگی جاودانگی پیوست و این جا، این گوشه دنج رنج، در سوگ بانوی اندیشه و ادب تلخ است و خاموش است و چیزی از جان کم دارد. آه...ما..

خانم دکتر لطفی قدرت اندیشه و تدوین متن به ۷ زبان زنده جهان را داشتند: فارسی، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، ایتالیایی و روسی. بیش از ۶۰سال در وطن ما زندگی کرد و ارزش را داشت که قدر دانسته شود و حداقل جایی که جایش است، صد ر نشین اهل فضل و دانش باشد که تشدد فروتنی و متانت بی نظیر ایشان مانع از این بود که حتی لب به شکوه بکشایند و در مدح خویش و منقبت فضایل خود چیزی بگویند.

او یک معلم شریف فلسفه و ادبیات بود که با صبوری و بی هیچ شهادستی، ادبیات امروز ما ایرانیان را به آستانه جهانی شدن رساند و بخشی از آثار ادبی ما را به وجدان جهان عرضه کرد. بانوی اندیشه و فرهنگ، سر کار خاتم کتر زیگرید لطفی به جاودانگی پیوست. او همسر دکتر محمدحسن لطفی بود. او برای فرهنگ و ادبیات ما تلاش می بدیدل داشت. حتما آنهایی که با فلسفه و ادبیات سروکار دارند، می دانند که مقولات فقهی فلسفی و ادبی یا به قول استاد حسین پایا وجدانی نشوند نمی توانند در جان انسان ها زرمه شوند. خانم لطفی نبض وجدان ادبیات ما را در رگ های ادبیات جهان جاری ساخت. هوش بی بدیل و نگرانی مادرانه ایشان در رویه رو شدن با یک اثر ادبی، یک نویسنده جوان، یک جست و جوگر عالم فلسفه و اندیشه، همان هوش سرشار مادر بود. نخستین بار پس از انتشار کتاب پایدای ایشان را دیدم. کتابی در معرفی اندیشه و فلسفه تعلیم و تربیت که غریب افتاد و عزت نشین گنجینه کتابخانه هامان شد. در نمایشگاه کتاب، جایی دنج، ایستاده به مهر و ادب، خامی مرا ندیده گرفت و چند پرسش پیاپی پیرامون «مفهوم پایدای» از ایشان داشتم که پاسخ هایش را به مهریانی مادرم و متانت فرز انگان مهد فلسفه و اندیشه در جان تشنه ام هجی کرد. امروز احساس مادر مر دگی دارم. استاد دکتر محمدحسن لطفی! اندیشمند بی نظیر،



شاهرخ تندروصالح

روزنامه نگار

در زیر آفتاب / تنها صدای توست که می ماند، نه بهت گز مه های تماشا / تنها صدای توست فلسفه معاصر، حرمیدار اعتبار صفات انسانی است و یکی از تلاش هایش، ر هانندن جان انسان ها از دوزخ بی نمری ها است، بی نمری هایی که در سایه نور پول و قدرت، ریشه می دواند و ادبیات، طنین نفس های شکسته و خسته و وجدان انسان هاست و نبض تپنده زندگی است آن جا که زندگی، تنها در بسوی پول و همینکه قدرت و قلدری سنجیده می شود و دریغا.. فلسفه و ادبیات معاصر جهان، تلاش دارد تا جان مخاطبان خود را از بی نمری و بیهودگی ها بر هاند. آنهایی که بر این منوال بر فلسفه و ادبیات تأمل دارند ز یاد نیستند. نمی توان برای این خانواده جمعیتی بر شمار را تصور کرد. پیوسته به کاروان روشنان فلسفه و ادبیات، قدرت ندیدن بسیاری چیزها را می طلبد که این قدرت در همه کس سراغ گرفتنی نیست. تنها کسانی می توانند چنین قدرتی را در جان خود پرورش دهند که توانایی درک عمیق جهان معناها را در خود داشته باشند. به سهم خود متأسفم که در روز گاری زندگی می کنم که ادبیات و ادبیاتش در جغرافیای ما حرمت و اعتبار خود را اندازد و برای طلب کردن آن، بایستی از جان خویش مایه بگذا رد. یعنی این که در ایستگاه مرگ متوقف شوند تا آن جا اعتبار آفرینی شان نمودار شود. استاد ما- خانم فرسوز زیگرید لطفی، رخ در نقاب خاک کشید. بانویی فرزانة که قید نام و نشان و جغرافیای نبود و مانند هر انسان فرزانة، شریف و دقیق، دل نگران انسان و زندگی در جهان معاصر بود.

۳۶ بندر عباس	۳۴ بجنورد	۳۷ ایلام	۴۶ اهواز	۳۸ اصفهان	۳۲ ارومیه	۳۲ اردبیل	۳۵ اراک
۳۱	۱۷	۲۸	۳۱	۲۰	۱۶	۱۳	۱۷
۳۶ ستندج	۳۴ زنجان	۳۸ زاهدان	۳۸ خرم آباد	۳۴ تهران	۳۱ تبریز	۳۳ بیرجند	۳۴ بوشهر
۱۳	۱۵	۱۷	۱۸	۲۲	۲۰	۱۶	۳۱
...افزایش دما و بارش							
طی ۲روز آینده احتمال رگبارهای پراکنده در استان های آذربایجان شرقی و اردبیل نیز وجود دارد. آسمان تهران امروز چهارشنبه صاف و در بعد از ظهر رشد ابر در ارتفاعات پیش بینی می شود. همچنین حداقل و حداکثر دما در این روز به ۲۴ و ۲۲ درجه سانتی گراد بالای صفر می رسد. در روز پنجشنبه نیز آسمان پایتخت صاف							
۳۱ کرکج	۳۵ ساری	۳۲ رشت	۳۶ گرگان	۳۳ گرمان	۳۵ کرمانشاه	۳۵ قزوین	۲۶ شهرکرد
۱۶	۲۳	۱۹	۲۲	۱۸	۱۵	۱۴	۷
۳۹ ایبوموسی	۳۸ یزد	۳۷ یاسوج	۳۶ مشهد	۳۶ قم	۳۳ همدان	۳۷ سمنان	۳۶ شیراز
۳۱	۲۹	۱۶	۱۸	۲۰	۱۳	۱۷	۱۸